جستـــار

درباره قضیه جنگ ایران و عراق

غلامرضا مصدق
استاد دانشگاه

با وجود گذشت بیش از چهل سال از آغاز جنگ، بحث بر سر اینکه کدام کشور عامل شروع جنگ بوده در بین ما ایرانیان در جریان است. عادت سیاست‌زدگی افراطی و سیاه و سفید دیدن همه چیز، به موضوع جنگ و اینکه کدام کشور آغازگر جنگ بوده هم سرایت کرده است، آنچنان که عده‌ای ایران را آغازگر جنگ می‌دانند. استدلال کسانی که معتقدند ایران آغازگر جنگ بوده این است که جمهوری اسلامی با سردادن شعارهای تند علیه رژیم عراق، صدام را وحشت‌زده و تحریک به جنگ علیه ایران کرد، بنابراین درواقع آغازگر جنگ ایران بود. اگرچه با تعیین عراق به‌عنوان کشور متجاوز توسط سازمان‌ملل بحث بیشتر در این مورد شاید بیهوده به نظر برسد، اما واقعیت ورای عادت سیاست‌زدگی ما که همه وقایع را از پشت عینک کبود سیاست می‌بینیم، چیست؟ صدام رسماً سه دلیل را برای شروع جنگ اعلام کرد: ۱ - قرارداد صلح ۱۹۷۵ در شرایط ضعف عراق منعقد شده بنابراین دیگر به آن پایبند نیست. ۲ - ایران باید سه جزیره (ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک) متعلق به اعراب را به آنها واگذار کند. ۳ - ایران باید به عربستان (خوزستان) خودمختاری بدهد. بعد از مرگ جمال عبدالناصر و قرارداد صلح مصر و اسرائیل، صدام به‌شدت علاقه‌مند بود جایگزین ناصر در قامت رهبر جهان عرب بشود. درخواست واگذاری جزایر سه‌گانه و اعطای خودمختاری به خوزستان اصولاً هیچ ربطی به عراق نداشت و صرفاً ادعاهایی در راستای تحقق آرزوی رهبری جهان عرب بود. صدام اگرچه برای قرار گرفتن در جایگاه رهبری جهان عرب همواره علیه اسرائیل لفاظی می‌کرد، اما به‌جز حمایت مالی از تعدادی گروه‌های فلسطینی همسو، هیچ‌گاه اقدام عملی علیه آن رژیم انجام نداد. بنابراین ایران غرق در بی‌ثباتی بعد از انقلاب با ارتشی تضعیف شده، درگیر با غرب به‌ویژه با آمریکا در طولانی شدن قضیه گروگانگیری، روابط شکرآب با شوروی به دلیل حمایت از مجاهدین افغانی و وحشت اعراب مرتجع خلیج‌فارس از سرایت انقلاب به کشورهایشان، به‌زعم صدام فرصتی تاریخی برای تحقق بزرگ‌ترین آرزوی او فراهم آورده بود. البته باید اذعان کرد بعد از انقلاب بعضی از مسئولان و رسانه‌های ایران موضع‌گیری‌های بعضاً شدیدی علیه رژیم عراق داشتند، اما اگر قرار بود لفاظی یک دولت علیه دولتی دیگر به جنگی تمام عیار منجر شود، شمار جنگ‌های بشر ده‌ها برابر بیشتر می‌شد. بین ترکیه و یونان ده‌ها سال شدیدترین لفاظی‌ها در جریان بوده و هست ولی هیچ‌گاه منجر به جنگ بین آنها نشده، کره‌شمالی و آمریکا ۶۷ سال است روزی چند بار همدیگر را به نابودی هم تهدید می‌کنند، ایران و اسرائیل ۴۳ سال است شدیدترین تهدیدها را نثار هم می‌کنند اما در این مدت طولانی حتی یک تیر مشقی هم مستقیم به سوی هم شلیک نکرده‌اند. اگر بپذیریم موضع‌گیری ایران علیه عراق به جنگ منجر شد، دلیل اشغال کویت که یکی از بزرگ‌ترین متحدان عراق در جنگ علیه ایران بود و هرگز کوچک‌ترین موضع‌گیری خصمانه‌ای به‌جز خدمت علیه آن نداشت چه بود؟! تحلیل صدام این بود که با اشغال بخش‌هایی از خاک ایران، رژیم نوپا که به ظاهر از هر جهت در موضع ضعف قرار دارد بلافاصله مجبور به مذاکره و دادن امتیازات گسترده خواهد شد و شکست خفت‌بار قدرتمندترین کشور منطقه به‌دست سردار قادسیه! (شکست ایران از اعراب مسلمان در جنگ قادسیه) بی‌تردید او را در جایگاه رهبری جهان عرب قرار خواهد داد. اما دو عامل کلیدی که موجب ناکامی صدام شد، در تحلیل نسبتاً واقع‌بینانه او نادیده گرفته شد، اول دفاع گسترده و جانانه مردم و نیروهای نظامی ایران از کشور خود و دوم سازش‌ناپذیری رژیم نوپا با متجاوز در آن شرایط سخت بود. اینکه ادامه جنگ بعد از آزادی خرمشهر به صلاح نبود و یا اینکه کسانی به هر دلیل مخالف هستند نباید موجب شود جای متجاوز با مدافع عوض شود. فراموش نکنیم در جنگی کاملاً نابرابر برای حفظ تمامیت‌ارضی ایران عزیز، جان ده‌هزار نفر از بهترین جوانان کشور فدا شد، حداقل با عدالت‌ورزی در قضاوت و تحلیل، خون پاک آنها را پایمال نکنیم.

دیدگـــاه

بنی‌صدر و بازرگان؛ مقایسه آزمون دموکراسی

ادامه از صفحه اول / ...چون منافقین ائتلاف نمی‌کرد درک عمیق سیاسی خود و تعهد به سرنوشت کشور را نشان داده بود. بازرگان هم خیلی زود با شخصیت‌های انقلاب اختلاف پیدا کرد ولی او نشان داد که قدر و قیمت و میزان قدرت خود را می‌داند و بالاتر از آن چه‌بسا اخلاق و تعهدش به ایران باعث شد از آشوب‌سازی به‌شدت پرهیز کند تاجایی که گفته‌اند وی حتی اگر می‌توانست، مردم را به خیابان‌ها دعوت نمی‌کرد. رئیس‌جمهور می‌توانست افکار و تمایلات خویش را با حداکثر حلم و قانون‌مداری نگاه دارد و تدریجا پیش ببرد و الگویی برای مدارا و آرامش کشور باشد. کشوری که در جنگ بود باید از همه طرف‌ها مورد درک واقع می‌شد و سرنوشتش تحت هیچ شرایطی به بازی گرفته نمی‌شد. بنی‌صدر به موافقان و مخالفان خود و به همه زاویه‌داران با حاکمیت وقت یاد نداد که تنها در سایه آرامش و امنیت کشور می‌توان به دموکراسی رسید و دموکراسی قطعا با تظاهرات مسلحانه خیابانی حاصل نمی‌شد. وی با یک شناخت عمیق تاریخی و درحالی که فرمانده کل قوا بود نه تنها می‌توانست منشأ خدمات بزرگی شود که با ملاحظه محدودیت‌ها و رعایت شیوه و نظرات رهبری انقلاب که اعتمادی تا به این حد را متوجه او کرده بود از فراگیری خشونت و برخورد جلوگیری به‌عمل آورد. اگر بنی‌صدر با صبر و حوصله چهار سال ریاست‌جمهوری خود را به سلامت می‌گذراند، هم خود پیروزی بزرگی به‌دست آورده بود و هم به تثبیت دموکراسی خدمت اساسی می‌کرد و شاید همین خود یک پیروزی برای کشور در حد انقلاب بود. وی تاب نیاورد و مجبور به فرار شد و این هیچ افتخاری نداشت. بازرگان هم مخالف بود ولی ماند و ساکت هم نبود و تاب آورد، حیف که مشی او خریدار نداشت و بسیاری دیگر هم تاب نیاوردند و یک شبه خواستند از انقلاب به دموکراسی رهسپار شوند و ما همچنان برای اصلاح امور و رفع عیوب و نواقص و استیلای خردجمعی در مقابل سوال بزرگ «چه باید کرد؟» مانده‌ایم.

علی سرزعیم، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مردم و کنشگران اقتصادی احساس خوبی از انتصابات ندارند

جامعه هنوز «علامت مثبت» از دولت جدید دریافت نکرده است

با «جعبه‌های سیاه» در گروه اقتصادی دولت مواجه هستیم

امروز اولویت مردم نان است نه آزادی

رئیسی به میانگیری از نظرات اقتصاددانان پایان دهد

نتیجه معدل‌گیری از دیدگاه‌های درست و غلط می‌شود نصف درست و نصف غلط

به‌جز دولت اول هاشمی همه دولت‌ها در تیم اقتصادی انشقاق داشتند

دولت در زمینه مذاکرات هسته‌ای سردرگم عمل کرده است

عکس: آرمان ملی / فاطمه فتاحی

آرمان ملی - احسان انصاری: دکتر علی سرزعیم اقتصادان و استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی است. کتاب او تحت عنوان اقتصاد برای همه که بیان کننده مفاهیم اقتصادی برای مخاطبان عام است، مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. سرزعیم کتابی هم تحت عنوان پوپولیسم ایرانی درباره دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و پیامدهای سیاست‌های اقتصادی او نوشته است. وی مشاور اقتصادی مرکز بررسی‌های استراتژیک و مدیر بخش اقتصادی شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی بود. سرزعیم همچنین از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ معاون امور اقتصاد و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بود. «آرمان ملی» برای بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی پیش روی دولت سیزدهم با دکتر سرزعیم گفت‌وگو کرده است. وی معتقد است: «به نظر می‌رسد برخی مصلحت‌اندیشی‌ها، فشارها و وام‌دهی‌ها زمینه تشکیل این گروه اقتصادی در دولت سیزده شده است. آن چیزی که برای جامعه حائز اهمیت است خروجی این تیم اقتصادی است که آیا این افراد می‌توانند مشکلات اقتصادی کشور را حل کنند یا خیر. از دیدگاه من ما با «بلک باکس» یا جعبه‌های سیاسی در تیم اقتصادی مواجه هستیم. این وضعیت برای جامعه ریسک دارد. هنگامی که ریسک بالا برود قیمت‌ها نیز بالا می‌رود. این یک قاعده بدیعی اقتصادی است. امروز جامعه با بلک باکس‌هایی مواجه است که نمی‌دانند قرار است چه اقداماتی انجام بدهند و چه تصمیم‌هایی بگیرند». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

◀دولت سیزدهم در حالی روی کار آمد که چالش‌های اقتصادی مهم‌ترین دغدغه مردم ایران به شمار می‌رود. در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری نیز آقای رئیسی مهم‌ترین اولویت خود را ساماندهی بازار و ثبات قیمت‌ها عنوان کرد. با این‌وجود روند قیمت کالاهای اساسی همچنان رو به افزایش است و چالش‌های معیشتی مردم مرتفع نشده است. آیا دولت نمی‌توانست در کوتاه‌مدت برای این وضعیت چاره‌ای بیندیشد؟

در فضای اقتصادی برخلاف فضای سیاسی تغییرات به‌صورت تدریجی رخ می‌دهد. در فضای اقتصادی شرایط به شکلی نیست که اگر امروز اقدامی صورت گرفته بلافاصله بتوان نتیجه آن را مشاهده کرد. در فضای سیاسی شرایط این‌گونه نیست و یک انتصاب و تصمیم بلافاصله نتیجه خود را نشان می‌دهد. افزایش قیمت‌هایی که در تابستان امسال صورت گرفته نتیجه سیاست‌هایی است که در اواخر سال گذشته و اوایل سال جدید صورت گرفته است. دولت اوراق کمی فروخت و از سوی دیگر فروش نفت نیز کاهش داشت و به همین دلیل مجوز شد از بانک مرکزی استقراض کند. نتیجه این اقدامات در شرایط کنونی و در افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز مردم خود را نشان می‌دهد. موضوع مهمی که درباره دولت رئیسی وجود دارد انتظارات است. اینکه روند تورم به چه سمتی حرکت می‌کند حائز اهمیت است. آن چیزی که می‌تواند تورم را فزاینده نگه دارد انتظار تورمی است. انتظار تورمی میز تأثیر از اقدامات و گفتارهای دولت جدید است. نیمی از جامعه در انتخابات شرکت کرده‌اند و اغلب آنها نیز به آقای رئیسی رأی داده‌اند. به همین دلیل نوعی امید در این رأی دادن وجود داشته است. امیدها نسبت به این موضوع نیز وجود داشته که با انتخاب آقای رئیسی به‌عنوان رئیس جمهور حاکمیت یکدست می‌شود و لجاجت‌ها در تصمیم‌گیری‌ها کاهش پیدا می‌کند و احتمالاً عقلانیت در مجموعه نظام تصمیم‌گیری کشور بیشتر می‌شود. در شرایط کنونی جامعه در حال رصد وضعیت دولت است که آیا این دولت در مسیر حل تعارض‌ها و برداشته شدن تحریم‌ها حرکت می‌کند یا خیر. واقعیت این است که موضوع تحریم‌ها نقش مستقیمی در وضعیت اقتصادی کشور دارد. از سوی دیگر جامعه در حال رصد ترکیب کابینه و انتصاباتی است که در دولت صورت می‌گیرد. جامعه به دنبال این است که آیا در دولت جدید فرصتی به وجود خواهد آمد که افراد توانمند مورداستفاده قرار بگیرند و یا بیشتر از افراد وفادار سیاسی استفاده خواهد شد. من فکر می‌کنم در هر دو مورد جامعه علامت مثبتی از دولت دریافت نکرده است.

◀چرا جامعه هنوز در این زمینه علامت مثبتی دریافت نکرده است؟

از یک‌طرف احساس سردرگمی در مقابل مذاکرات هسته‌ای وجود دارد. دولت هنوز مشخص نکرده که قرار است با چه استراتژی با موضوع هسته‌ای برخورد کند و به همین دلیل احساس نمی‌شود که موضوع در حاکمیت تعیین تکلیف شده باشد. از سوی دیگر جامعه از انتصاباتی که در سطوح مختلف در دولت صورت گرفته احساس خوشحال‌کننده‌ای پیدا نکرده است. اتفاقی که رخ‌داده اصرار برای به‌کارگیری چهره‌های سیاسی منتسب به یک جریان خاص بوده است. فکر می‌کنم این رویکرد برای مردم دلگرم‌کننده نیست. در شرایط کنونی نیز آنچه مطلوب جامعه خواهد بود این است که از یک رده پایین‌تر بهترین افراد را مورد استفاده قرار بدهند. جامعه باید احساس کند بهترین افراد موجود در کشور مورداستفاده قرار گرفته تا این افراد بتوانند مشکلات جامعه را حل کنند. اگر مردم احساس کنند این دولت با رویکرد سیاسی روی کار آمده و به دنبال فرصتی است تا دوستان سیاسی خود را به کار بگیرد بدترین پیامی است که به جامعه ارسال می‌شود.

> رشد دو یا سه درصدی نمی‌تواند بحران فقر و بیکاری را در جامعه حل کند. برای حل این بحران‌ها ما نیازمند رشد هشت رصدی در اقتصادی کشور هستیم. ما باید رشد بالا و مستمر داشته باشیم تا جامعه تغییر را در وضعیت زندگی خود مشاهده کنیم

◀دولت سیزدهم در زمینه‌های کلیدی مانند اقتصاد و سیاست خارجی هنوز استراتژی مشخصی به جامعه ارائه نکرده است. آیا دولت در این زمینه‌ها فاقد استراتژی مشخص است و یا اینکه این استراتژی به‌مرورزمان شکل خواهد گرفت؟

موضوع مهمی که در همه دولت‌ها به‌جز دولت اول آقای هاشمی وجود داشته انشقاق در تیم اقتصادی بوده است. اگر به دولت آقای خاتمی دقت کنیم متوجه می‌شویم که دیدگاه‌های سازمان برنامه، بانک مرکزی و وزارت اقتصادی باهم متفاوت بود. این تعارض در دولت‌های آقای احمدی‌نژاد و روحانی نیز وجود داشت. این تعارض‌ها و درگیری‌ها جدی است و در عمل خود را نشان خواهد داد. نامه‌ای به آقای رئیسی نوشتم که یکی از فرازهای آن این بود که برای تیم اقتصادی خود رهبر انتخاب کنید و از وی بخواهید تیم اقتصادی را انتخاب کند و از پس از یک مدت نیز از وی گزارش کار بخواهید و اگر عملکرد وی مثبت نبود فرد دیگری را به‌جای وی انتخاب کنید. نباید شرایط به شکلی رقم بخورد که یک فرد تیم اقتصادی را رئیس‌جمهور انتخاب کند فرد دیگر را یک فرد پرنفوذ و دیگری را جریان حامی دولت تأمین کند. این وضعیت آش شعله قلمکاری را به‌وجود می‌آورد که وقت دولت را برای بدیهیات می‌گیرد. دولت آقای روحانی آسیب زیادی از این موضوع خورد. گذشته آیینه پیش روی ماست و ما باید از گذشته درس بگیریم. دولت روحانی زیگزاگی عمل می‌کرد و یک‌بار به سمت اقتصاد بازار حرکت می‌کرد و بار دیگر به‌صورت دستوری قصد داشت اقتصاد را مدیریت کند. این وضعیت در همه دولت‌ها وجود داشته است. استراتژی دولت‌های قبلی میانگین‌گیری بود. آقای خاتمی همه نظرات اقتصاددانان را می‌گرفت و از بین نظران به یک نقطه میانگین می‌رسید. آقای روحانی و احمدی‌نژاد نیز همین کار را می‌کردند. به نظر می‌رسد این وضعیت قرار است در دولت رئیسی نیز دوباره تکرار شود. این بدترین شیوه تصمیم‌گیری است. به‌صورت طبیعی میانگین چند دیدگاه درست و چند دیدگاه غلط می‌شود نصف درست و نصف غلط. هنگامی که نیمه غلط جلو برویم فرصت‌های زیادی را از دست می‌دهیم. شاید در گذشته پول فروش نفت وجود داشت و ما فرصت چنین اشتباهاتی را داشتیم اما در شرایط کنونی چنین فرصتی نیز برای ما وجود ندارد.

◀هدف رئیسی از اعضای تیم اقتصادی خود که دارای مشی فکری متفاوتی در زمینه اقتصادی هستند چیست؟ حضور افرادی مانند محسن رضایی که به‌عنوان کاندیدای ریاست جمهوری دارای برنامه اقتصادی کامل و مجزایی نسبت به رئیسی بوده در تیم اقتصادی دولت چه توجیهی دارد؟ آیا مدیریت این تیم اقتصادی برای آقای مخبر کار سختی نخواهد بود؟

به نظر می‌رسد برخی مصلحت‌اندیشی‌ها، فشارها و وام‌دهی‌ها زمینه تشکیل این تیم اقتصادی در دولت سیزده شده است. آن چیزی که برای جامعه حائز اهمیت است خروجی این تیم اقتصادی است که آیا این افراد می‌توانند مشکلات اقتصادی کشور را حل کنند یا خیر. پرسش مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که آیا ما حاضر هستیم فرزند خود را در مدرسه‌ای ثبت‌نام کنیم که هیچ شناختی از مدیران و معلمان آن نداریم؟ پاسخ به این سؤال قطعا منفی خواهد بود. این موضوع در حکمرانی جامعه دارای اهمیت بیشتری است. افرادی که به‌عنوان مسئول انتخاب می‌شوند باید دیدگاه‌های خود را درگذشته مطرح کرده باشند و عملکرد خود را نیز به جامعه عرضه کرده باشند. رویکرد آقای خاندوزی را می‌پسندم. ایشان دیدگاه‌های مشخصی دارند و درگذشته نیز این دیدگاه‌ها را مطرح کرده‌اند و مشخص است که قرار است در آینده چه اقداماتی انجام بدهند. ریسک چنین فردی که مشخص است قرار است چه اقداماتی انجام بدهد برای جامعه مشخص است. این در حالی است که ما هنوز نمی‌دانیم آقای رضای یا رهبر قرار است چه کارهایی انجام بدهند چه سهمی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خواهند داشت. آقای مخبر بنگاه‌دار بوده و ما نمی‌دانیم قرار است در اقتصاد کلان چه اقداماتی انجام بدهد. آقای میرکاظمی در وزارت نفت حضور داشته اما به یک‌باره سر از سازمان برنامه بودجه درآورده است. این در حالی است که سازمان برنامه‌وبودجه گستره وسیع‌تری نسبت به وزارت نفت دارد. ما هنوز نمی‌دانیم دیدگاه میرکاظمی درباره رشد اقتصادی کشور چیست و قرار است از چه مسیری حرکت کنیم. از دیدگاه من ما با «بلک باکس» یا جعبه‌های سیاهی در تیم اقتصادی مواجه هستیم. این وضعیت برای جامعه ریسک دارد. هنگامی که ریسک بالا برود قیمت‌ها نیز بالا می‌رود. این یک قاعده بدیعی اقتصادی است. امروز جامعه با بلک باکس‌هایی مواجه است که نمی‌دانند قرار است چه اقداماتی انجام بدهند و چه تصمیم‌هایی بگیرند.

> میانگین چند دیدگاه درست و چند دیدگاه غلط می‌شود نصف درست و نصف غلط. هنگامی‌که نیمه غلط جلو برویم فرصت‌های زیادی را از دست می‌دهیم. شاید درگذشته پول فروش نفت وجود داشت و ما فرصت چنین اشتباهاتی را داشتیم اما در شرایط کنونی چنین فرصتی نیز برای ما وجود ندارد

◀مشخص نبودن اینکه اعضای تیم اقتصادی قرار است چه اقداماتی انجام بدهند به معنای نداشتن استراتژی از سوی دولت است؟

بله؛ به همین معناست. دولت باید مشخص کند قرار است با چه رویکردی مشکلات اقتصادی را حل کند و چه دیدگاهی نسبت به موضوعات اقتصادی دارد. این وضعیت درزمینه‌های دیگر نیز وجود دارد. بااین‌وجود در اقتصاد به دلیل پیچیدگی‌هایی که اقتصاد دارد و بازندگی مردم مرتبط است داشتن استراتژی از اهمیت بیشتری برخوردار است. آقای رئیسی باید از قبل درباره این مسائل فکر کرده باشد و دیدگاه‌های خود را مشخص کرده باشد. پس از مدتی از افرادی استفاده کند که با این دیدگاه همراه باشند و درنهایت به مسیر خود ادامه بدهند. نمی‌توان شرایطی را در نظر گرفت که به دلایل سیاسی افرادی در تیم اقتصادی حضور داشته باشند که از مشی فکری یکسانی برخوردار نباشند.

◀در چنین شرایطی مردم می‌توانند نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی خود امیدوار باشند؟

از یک‌جهت بله و از جهت دیگر خیر. از یک‌جهت که حکومت یکدست‌تر شده و عمل‌گرایی در حکمرانی بیشتر می‌شود جای امیدواری دارد. واقعیت این است که امروز اولویت مردم آزادی نیست و بلکه نان است. به همین دلیل اگر قرار است مشکلات معیشتی مردم حل شود یک اجماع نظر و قدرت عمل لازم است. در دولت روحانی تصمیمات دیر گرفته می‌شد و برخی از تصمیمات نیز امکان اجرایی شدن پیدا نمی‌کرد. در این موضوع ضعف دولت وجود داشت و برخی نهادهای حاکمیتی نیز همراهی نمی‌کردند. در شرایط کنونی مردم به دنبال یک سازوکار منسجم تصمیم‌گیری هستند که قابلیت اجرایی نیز داشته باشد. این یک مزیت برای دولت آقای رئیسی است که بتواند از آن استفاده کند و نباید به سمتی حرکت کند که این فرصت را از دست بدهد. تصمیم‌گیرندگان ما به‌دلیل اینکه ذهنیت اقتصادی ندارند در صورت چنددستگی گیج می‌شوند. سیاستمداران به دلیل اینکه فاقد ذهنیت اقتصادی هستند می‌توانند علیه یا له یک موضوع به شکلی صحبت کنند که طرف مقابل را قانع کنند. این وضعیت نیز سبب تصمیم‌گیری‌های اشتباه می‌شود. در چنین شرایطی جامعه باید حکومت یکدست را موردنقد قرار بدهد. تأکید من این است که در دولت باید اجماع در تصمیم‌گیری وجود داشته باشد و شرایط به شکلی نباشد که سکان را یکی به سمت راست و دیگری به سمت چپ بچرخاند. امروز ما می‌دانیم که اگر بخواهیم مسیر گذشته را برویم به نتیجه نخواهیم رسید و رشد اقتصادی کاهش پیدا می‌کند. دولت عنوان می‌کند قصد ندارد اقتصاد را به برجام و مذاکرات گره بزند. این دیدگاه هم صحیح است و خیر. اینکه برخی رویکردها در اقتصاد ایران صحیح نیست و اگر در مسیر درست قرار بگیرد رشد اقتصادی مثبت خواهد شد، شکی در آن وجود ندارد با این وجود ما در شرایطی نیستیم که مشکلات اقتصادی با رشد پائین حل شود و به‌همین دلیل نیازمند رشد بالای اقتصادی هستیم. رشد دو یا سه‌درصدی نمی‌تواند بحران فقر و بیکاری را در جامعه حل کند. برای حل این بحران‌ها ما نیازمند رشد هشت رصدی در اقتصادی کشور هستیم. ما باید رشد بالا و مستمر داشته باشیم تا جامعه تغییر را در وضعیت زندگی خود مشاهده کنیم. به‌عنوان‌مثال اگر ما به مدت ده سال رشد هشت‌درصدی را تجربه کنیم می‌توانیم به حل مشکلات اقتصادی امیدوار باشیم.

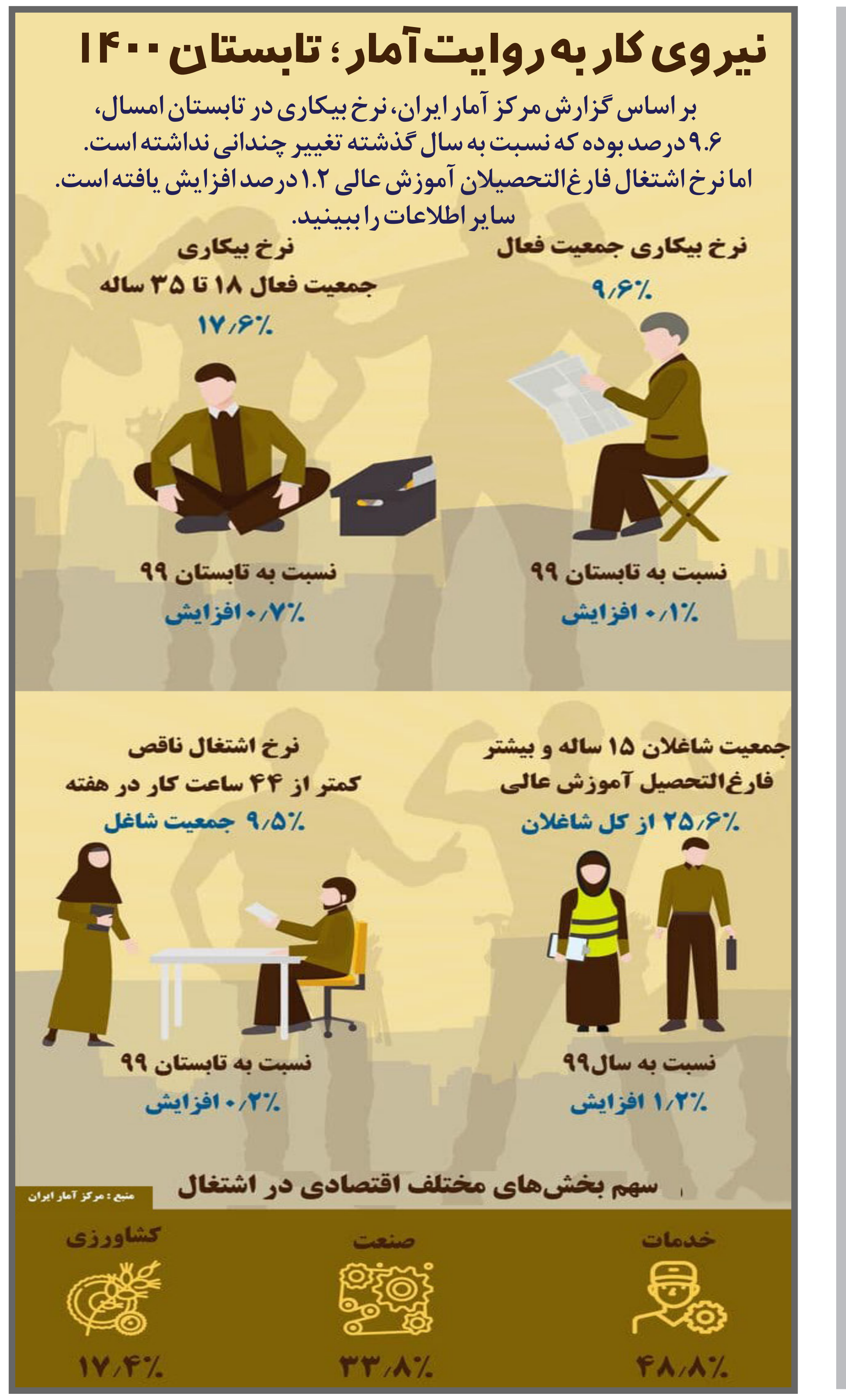

نیروی کار به روایت آمار؛ تابستان ۱۴۰۰

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در تابستان امسال، ۹.۶ درصد بوده که نسبت به سال گذشته تغییر چندانی نداشته است. اما نرخ اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی ۱.۲ درصد افزایش یافته است. سایر اطلاعات را ببینید.

منبع: مرکز آمار ایران

داریوش قنبری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

پایگاه اجتماعی جریان اصلاحات ضعف دارد

◀ روش عامه مردم به سمت جریان اصلاحات است

◀ نگاه‌های تنگ نظرانه نسبت به مطالبات زنان وجود دارد

آرمان ملی -: فضای سیاسی کشور پس از انتخابات و عبور از فضای انتخاباتی از ماه‌های ابتدایی سال در یک حالت سکون و رخوت به سر می‌برد، از سوی دیگر احزاب فعالیتی ندارند یا کمتر رسانه‌ای می‌شود؛ افکار عمومی بیشتر متوجه تحولات و تنش‌های رخ داده با همسایگان هستند تا تحولات سیاسی داخل کشور و در این میان عملکرد دولت در حوزه‌های مختلف چندان مورد توجه و انتقاد قرار نمی‌گیرد. در این راستا برای بررسی وضعیت فعلی حاکم بر جریان اصلاحات و همچنین تحولات اخیر در فضای سیاسی کشور که می‌توان از آنها امید به گشایش‌هایی در فضای سیاسی کشور را داشت «آرمان ملی» با داریوش قنبری، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و نماینده ادوار مجلس به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

◀در شرایط فعلی کشور چرا صدایی از احزاب اصلاح‌طلب شنیده نمی‌شود؟

بخشی را باید جزو تبعات انتخابات ریاست جمهوری دانست. مردم اقبال چندانی به نامزد اصلاح‌طلبان در انتخابات اخیر نشان ندادند و نهایتا ضعف در پایگاه اجتماعی جریان اصلاحات تاحدود زیادی بر عملکرد احزاب اصلاح‌طلب تاثیرگذار شده و در کل بعد از این اتفاقات باید ضعف‌های خودشان را شناسایی کنند و یک بررسی از فعالیت‌ها و اقدامات خود انجام دهند و دلیل افت این پایگاه اجتماعی چه بوده و چرا مردم مانند گذشته اقبال نکردند. طبیعی است که بعد از این شکست اصلاح‌طلبان یک مقدار به واکاوی درون خودشان بپردازند و ببینند چه مشکلاتی وجود داشته که آن پایگاه قوی اجتماعی یکباره به این شکل افت کرد و آن جایگاه سابق را جریان اصلاحات امروزه ندارد.

◀چهار سال باقی‌مانده تا انتخابات ۱۴۰۴ آیا زمان مناسبی برای بازسازی اصلاحات است؟

بازسازی جریان اصلاحات نیاز به یک پوست اندازی، انسجام تشکیلاتی و یک تعریف جدید از اصلاحات دارد. همین طور نیاز به نوعی شناخت دقیق جامعه و سیاست در جامعه ایران و تحولات منطقه دارد. اگر اصلاح‌طلبان بتوانند در مجموع این مسائل را مورد توجه قرار بدهند و شناختی از وضعیت جامعه، نظام بین‌الملل و چارچوب‌هایی که در آن باید فعالیت کنند؛ داشته باشند و موقعیت خودشان را بشناسند و بر این مبنا یک آسیب شناسی بکنند و برای آینده راهکار ارائه دهند، می‌توانند در آینده حرفی برای گفتن داشته باشند. به نظر من کلیت جریان سیاست در جامعه ایران و کلیت فعالیت‌های سیاسی در سطح عامه مردم به عبارت بهتر روش عامه مردم به سمت جریان اصلاحات است و در این نکته هیچ تردیدی نیست. اما دلخوری مردم از این بود که اصلاح‌طلبان عملکرد مناسبی در راستای شعارهایشان نتوانستند داشته باشند و این مسأله باعث شد در انتخابات اخیر ریاست جمهوری و انتخابات مجلس یازدهم به هر حال کمترین توجه صورت گیرد و جریان اصلاحات دچار افول شدید شد. این افول قابل بازسازی است و این جریان را دوباره بازسازی کرد، این امر بستگی به این دارد که نیروهای سیاسی و فعال این جریان چه اندازه شناخت دقیقی از مسائل مربوط به سیاست در جامعه ایران داشته باشند و بتوانند متناسب با اقتضائات روز سیاست در جامعه ایران برنامه‌های خودشان را ارائه بدهند.

◀تا چه اندازه اصلاح در بدنه تصمیم گیری جریان اصلاحات را ضروری می‌دانید؟

اختلافاتی در سطح تشکل‌های جریان اصلاحات و در بین اشخاص وجود دارد. یک جریان سیاسی قطعا اختلاف درون گروهی وجود دارد و قابل تصور است و منحصر به جریان اصلاحات نیست و در جریان رقیب اصلاح‌طلبان هم اختلافات زیادی وجود دارد. فکر می‌کنم می‌توان این اختلافات درون گروهی را مدیریت کرد و بر این اختلافات فائق آمد و مهم‌تر از همه چیز این است که در جریان اصلاحات تشکل‌های متعددی تحت عنوان حزب فعال هستند اما هیچکدام کارکردهای واقعی یک حزب را ندارند و این یک آسیب جدی است و این مشکلات باید مورد شناسایی دقیق قرار گیرد و احزاب کوچک‌تر در احزاب بزرگ‌تر ادغام شوند و نهایتا به سمت حزب فراگیر حرکت کرد و اگر امکان تشکیل حزب فراگیر فراهم نشد؛ دو یا چند حزب قوی تشکیل شود که بتوانند کارکردهای حزبی را به خوبی انجام دهند.

◀اخیرا در فضای سیاسی شاهد گشایش‌هایی هستیم، این تغییرات چرا در دولت روحانی اتفاق نیفتاد؟

فکر می‌کنم یک مقدار تحولات مثبت در حال آغاز است. در قوه قضائیه رویکردهای مطلوبی در پیش گرفته شده و اصلاحات خوبی دارد شروع می‌شود. در دولت هم حرف‌های خوبی زده شده و باید دید چه مقدار این سخنان عملیاتی هستند. رویکردهای مثبت را باید به فال نیک گرفت؛ چه در دولت، چه در قوه قضائیه به نظر من بایستی اینها را گام‌هایی مثبت در راستای تحولات مطلوب در آینده تلقی کرد.

◀حجت‌الاسلام مصباحی مقدم در مصاحبه اخیر خود بانوان را فاقد توانایی حضور در مجمع تشخیص مصلحت نظام دانستند، ارزیابی شما چیست؟

یک نگاه مضیق و تنگ نظرانه نسبت به حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی در کشور ما وجود دارد. در واقع می‌شود گفت در سطوح عالی مدیریتی این تنگ نظری را مشاهده می‌کنیم. به‌گونه‌ای که جریان‌های مختلف سیاسی با وجود شعارهایی که مطرح می‌کنند در استفاده از زنان در عرصه‌های مدیریتی بالا، متاسفانه زنان هنوز آن جایگاه لازم را در سطوح بالای سیاسی و مدیریتی کشور ندارند. فکر می‌کنم این دیدگاه‌های تنگ نظرانه بایستی کنار گذاشته شوند و زمینه برای حضور جدی و موثر زنان بازتر شود. به هر حال نیمی از جمعیت جامعه که امروزه، درس خوانده، تحصیلکرده و نیروهای توانمندی هستند بایستی زمینه مشارکت آنان در عرصه‌های سیاسی و سطوح مدیریتی فراهم بشود. به هر حال با این نگاه‌های تنگ نظرانه نمی‌توان بر مشکلات کشور فائق آمد و نیمی از جمعیت کشور را نادیده گرفت. به هر حال وقتی زنان می‌توانند نماینده مجلس شوند و زنان سابقه وزارت (در سطح محدود) را داشتند و از عهده چنین مشاغلی برآمدند، قطعا عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام را هم می‌توانند، داشته باشند. این نوع نگاه‌ها نسبت به حضور زنان مناسب جایگاه کشور نیست و این نگاه‌ها باید مورد بازنگری قرار گیرد و اصلاح شود.

عبدالرضا فرجی‌راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

تفاهم بهتری در راه است...

◀ آمریکا به جای پول بعضی شرکت‌ها را از تحریم عبور داد

◀ دور تازه مذاکرات تفاهم بهتری را رقم خواهد زد

آرمان ملی - سهیل ثابت: تحولات پیرامون برجام همچنان با اظهار نظرها و واکنش‌ها از سوی طرفین ادامه دارد و هر روز شاهد اظهار نظرات تازه‌ای از سوی مقامات کشورمان، آمریکایی‌ها، تروئیکای اروپایی، چین و روسیه هستیم. با این حال آنچه مسلم و همه طرف‌ها به آن اذعان دارند راه دیگری به جز بازگشت به مذاکرات احیای برجام در دور هفتم وجود ندارد و رسیدن به توافق و احیای برجام برای همه طرفین بهترین شرایط ممکن خواهد بود. حال باید دید با این اوصاف مذاکرات چه زمانی آغاز و به چه نتایجی ختم می‌شود. در این راستا برای بررسی تحولات حول محور برجام و نوع نگرش طرفین به این توافق «آرمان ملی» با عبدالرضا فرجی راد کارشناس و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

◀اظهارات مختلفی پیرامون مذاکرت احیای برجام و زمان آغاز این مذاکرات مطرح می‌شود ارزیابی شما از تحولات اخیر پیرامون برجام چگونه است؟

من معتقدم مذاکرات انجام خواهد شد و آنطور که وزیر امور خارجه، سخنگو و مقامات دیگر مطرح کردند و ده‌ها بار تکرار شده حتما مذاکرات انجام می‌شود و من هم فکر می‌کنم که حداکثر به دو هفته دیگر نکشد. یعنی در همین اکتبر انجام شود و به پایان اکتبر نرسد. اما اینکه مذاکرات را در دنباله مذاکرات قبلی ادامه می‌دهند و یا می‌خواهند از صفر شروع کنند من فکر می‌کنم که از صفر شروع نشود. در واقع همان دنباله مذاکرات قبلی خواهد بود با توجه به اینکه ایران پافشاری خواهد کرد روی موضوعاتی که تمایل و نگرانی دارد. این موضوعات یکی راستی آزمایی خواهد بود که انتظار می‌رود به نحوی ۱+۴ آن را پاسخ دهد. بالاخره طرف ایرانی نیز متوجه است که چه کنگره آمریکا، مجلس نمایندگان و سنا کار راحتی نیست که بخواهند تاییدیه‌ای از آنها بگیرند اما بالاخره ۱+۴ می‌توانند راه حل دیگری را پیدا کنند که البته خود ایران هم مثل دخالت دادن آمریکا و بقیه در اقتصاد ایران می‌تواند به این راه حل کمک کند. یا راه حل دیگر اینکه همه تحریم‌ها که ایران انتظار دارد برداشته شود و باید بر روی آن مذاکره و تاکید شود تا ببینند چه پیش خواهد آمد. آنچه که مسلم است من اعتقادم بر این است که در همین مدت زمانی که مذاکرات متوقف شده بود وضعیت تنش بین آمریکا و چین به قدری بالا رفته و حتی نسبتا خطرناک شده که به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها به دنبال این هستند که به نحوی به توافق برسند تا مقداری از آن بحثی که ایران تمایل ندارد در مورد آن صحبت کند مثل مسائل منطقه‌ای، گفت و گوی مستقیم با آمریکا یا قدرت دفاعی کوتاه بیایند و آن را به مذاکرات منطقه‌ای بین خود کشورها محول کنند، بنابراین تصور من این است که مشکلات دولت بایدن روز به روز بیشتر می‌شود. از طرفی در سیاست داخلی محبوبیت وی در حال کاهش است و از طرف دیگر در سیاست خارجی با چین در تنش بالایی هستند و در خصوص اروپایی‌ها نیز با طرح آکوس بی اعتمادی دوباره در حال بازگشت است. لذا تصور می‌کنم که این وضعیت نا به هنجار در آمریکا بدتر شود. مخصوصا که خیلی از متخصصین پیش بینی کردند قیمت نفت تا زمستان ممکن است به ۲۰۰ دلار هم برسد و اگر هم بگوییم دویست دلار افراطی است به بالای ۱۲۰ تا ۱۳۰ دلار خواهد رسید که آن هم مشکلات خود را برای آمریکا و متحدانش به وجود خواهند آورد. بنابراین من فکر می‌کنم این دفعه که مذاکرات انجام شود بتوانیم تفاهم بهتری انجام دهیم. البته نکته دیگری نیز که در این بین وجود دارد اینکه اگر قیمت نفت بالا برود آنهایی که وجهه دوست ایران را می‌گیرند ممکن است که علاقه‌مند باشند تا مذاکرات عقب بیفتد و تاخیر داشته باشد تا بتوانند حداکثر استفاده را از صادرات نفت داشته باشند.

◀با وجود اینکه ایران و آژانس روابط مطلوب دارند و ایران به تعهدات خود در بعد فنی عمل کرده اما شاهدیم که غربی‌ها بسیار دنبال تسریع در آغاز مذاکرات هستند؛ اساسا دلیل این عجله و اصرار غربی‌ها برای آغاز مذاکرات را چه می‌دانید؟

به نظرم این کار صرفا به این دلیل است که اینها نگرانند میزان این غنی سازی به‌ویژه اورانیوم فلزی به قدری بالا برود که دیگر کنترل از دستشان خارج شده، این برجام از دستشان خارج شود و دو طرف وارد یک فاز خشن شوند. با این حال به هیچ وجه آمریکا و اروپا با گرفتاری‌ها و مشکلاتی که بین خود دارند راضی به این مساله نیستند. لذا آنطور هم که گفته می‌شود به این حد شدید نیز بر روی ایران فشار نیست. یک مصاحبه‌هایی هست که برخی می‌گویند با وجود گذشت چهار ماه از آخرین دور مذاکرات؛ اگر دور جدیدی مذاکرات دیر شروع شود ممکن است به برجام صدمه بزنند که اینها طبیعی است و به نحوی من معتقدم که مدارا می‌کنند. لذا آنچه که مسلم است همین که آژانس طی چند روز گذشته رضایتی را اعلام کرده خود نشان می‌دهد که آنها اطمینانی نسبی پیدا کردند که مذاکرات شروع خواهد شد. هر وقت که شما دیدید آژانس سرو صدای زیادی کرد معلوم است که آنها خیلی ناراحتند اما هر زمان که مشاهده کردید در یک یا چند مساله اختلاف انگیز با ایران؛ آژانس آرام شد نشان می‌دهد که آنها مقداری در خصوص مذاکره یا هر چیز دیگری قانع شدند. بنابر این مسائل ایران و آژانس هم همه زیرمجموعه برجام است و هرچه هم آژانس اعلام کند که از چهار سایت خبر نداریم چه می‌گذرد و اورانیوم در آن پیدا شده اگر در مذاکرات موفقیت‌هایی ایجاد شده و حرکت‌هایی به جلو انجام شود تمام اینها رفع و رجوع خواهد شد. اگر در مذاکرات بن بست‌هایی ایجاد شود مسائل آژانس هم بالا رفته و تنش زا می‌شود.

◀اخیرا مطرح شده بود که ایران درخواست آزادسازی ۱۰ میلیارد دلاری از دارایی‌های خود را از آمریکا داشته اما آمریکا با این درخواست مخالفت کرده و گفته حاضر به مذاکرات بدون پیش شرط هستیم؛ اساسا این خواسته ایران را نوعی پیش شرط تلقی می‌کنید؟

آنچه آقای امیر عبداللهیان مطرح کرد منظورش این بود که آمریکایی‌ها اگر می‌خواهند با ایران به توافق برسند باید یک حرکت مثبت انجام دهند. مثلا ده میلیارد دلار از دارایی‌های ایران را آزاد کنند. این حرف درستی است. البته به نظر من آمریکا اگر بخواهد این کار را انجام دهد در داخل کشور خود در سنا و مجلس نمایندگان و حتی در داخل برخی از گروه‌های دموکرات دچار بحران می‌شود. یعنی همان حملاتی که ترامپ به اوباما بابت برخی پرداخت‌ها به ایران می‌کرد دوباره تکرار می‌شود. اما احساس من آن است که همین آزاد کردن برخی گروه‌های تجاری مثل ماموت که چند روز پیش اتفاق افتاد و چند هفته قبل نیز شرکت‌های دیگری را از تحریم خارج کردند این را جای آن گذاشته‌اند. در واقع ندایی که از ایران آمده آنها درک کردند و به جای پول بعضی شرکت‌ها را از تحریم عبور دادند و در واقع تحریم را از روی سر آنها برداشتند.

سخـــن روز

خودانتقادی یا انتقاد از بشار اسد

ادامه از صفحه یک / خواهند رسید و سوریه در چنین شرایطی حتما به طور طبیعی اولویت برای ایران قائل هست ولی وقتی که پای منافع ملی سوریه به میان برسد، حتما بشاراسد با کشورهای دیگری که نقش رقیب ایران را هم دارند، همکاری خواهد کرد و این طبیعت منافع ملی در دنیای امروز است. ولی قضایایی مثل آذربایجان و تحولات امروز عراق و سوریه نشان می‌دهد که پویایی در مولفه‌های منافع ملی و درک مولفه‌های ملی در ایران خیلی کمتر از کشورهای دیگر در منطقه است.

اما در این شرایط چه باید کرد؟

نظام مدیریتی سیاسی در ایران باید براساس دو اصل بنیادین شکل بگیرد که عبارت است از تنش‌زدایی در خارج و توسعه در داخل. در دنیای امروز کشورها بر اساس این دو اصل سیاست خودشان را شکل می‌دهند. سعی می‌کنند حوزه تنش خودشان را کاهش دهند. چون حوزه‌های تنش ایران روزبه‌روز گسترش پیدا می‌کند و تنش‌های کهنه، دارند کهنه‌تر می‌شوند. می‌بینیم کشورهایی که از فضای تنش دوری می‌کنند، دارند در عمل فضای حیاتی برای خودشان ایجاد می‌کنند و منافع ملی خودشان را گسترش می‌دهند. کشورهایی که حتی علیه همین سیاستمداران امروز عراق و سوریه بارها توطئه‌ها چیده‌اند الان در کنار آنها می‌نشینند و طرح‌های اقتصادی را پیش می‌برند. در چنین شرایطی به طور طبیعی حتی اگر ایران مخالفت هم کند باز هم دولت سوریه راه خودش را می‌رود. این طبیعی است که کشورها حاکمیت ملی و نظام مستقل خودشان را دارند. این ایران هست که باید این واقعیت را بپذیرد که به تنش‌هایی که در دنیای امروز دارد، پایان دهد و به جای نگرانی از اتحادیه‌ها و همکارهایی که در منطقه شکل می‌گیرد، خود در این همکاری‌ها حضور داشته باشد. جای خالی ایران در قفقاز، جای درحال خالی شدن ایران در افغانستان و به هر حال در حاشیه قرار گرفتن برای سازوکارهایی مثل سازوکارهای تامین انرژی لبنان و سوریه و غیره نشان‌دهنده این واقعیت است که ایران به‌رغم اینکه موفقیت قابل دفاعی در مقابله با بزرگ‌ترین بحران تروریستی سالیان اخیر یعنی داعش داشت ولی در پیوند منافع ملی کشور با تحولات بعد از آن در ایران سهل‌انگاری صورت گرفت. حتی روسیه در حال بهره‌برداری و جبران هزینه‌هایی است که در سوریه کرد ولی ایران هنوز نتوانسته هزینه‌های انجام شده در سوریه را دوباره به خزانه کشور بازگرداند. اینها نشان‌دهنده این است که در دنیای امروز همکاری‌های منطقه‌ای یک واقعیت است منتها ایران در هر اجتماع منطقه‌ای که می‌خواهد حاضر شود، آنجا یکسری حوزه‌های چالش وجود دارد که مانع از این می‌شود که ایرانی‌ها صاحب نقش و جایگاه در معادلات منطقه‌ای شوند. معتقدم پیش از اینکه سرزنش کنیم دولت بشاراسد و متحدان گذشته و حال کشور را، باید نوعی خودانتقادی در ایران صورت بگیرد که به چه دلیل به حدی دافعه ایجاد شده است که در خیلی از اتحادیه‌های منطقه‌ای نه‌تنها جایگاهی برای ایران تعریف نمی‌شود بلکه حتی برخی از این اتحادیه‌ها با رویکرد ضدایرانی شکل می‌گیرد و این واقعیتی است که باید پذیرفت. واقعیت این است که در دنیای امروز برای هر سیاستی نوعی نظام هزینه- فایده وجود دارد. کشورها در دنیای امروز سیاست خارجی خودشان را در خدمت درآمدزایی و ایجاد حوزه‌های مختلف ثروت و قدرت برای کشور قرار می‌دهند و واقعیت این است که ایران یکی از کشورهایی است که سیاست خارجی‌اش بیش از اینکه درآمدساز باشد، هزینه‌ساز هست و باید به‌گونه‌ای عمل کرد که این سیاست خارجی در خدمت افزایش ثروت هم باشد. البته سیاست عمق استراتژیک ایران منجر به تقویت مولفه‌های قدرت ایران در منطقه شده ولی در جایی که باید این مولفه‌های قدرت درخدمت افزایش ثروت کشور و کاهش هزینه باشد، آن قسمت معمولا استراتژی مربوطه، استراتژی ضعیفی است و شبیه استراتژی اول که افزایش قدرت و عمق استراتژی کشور هست، عمل نمی‌شود.

نکتـــه

تکذیب خبر ورود نظامیان ایرانی به آذربایجان

یک منبع آگاه به تحریف واقعیات و خبرسازی برخی رسانه‌های آذربایجانی واکنش نشان داد و خبرسازی درباره ورود نظامیان ایران به این کشور در جنگ سال گذشته قفقاز را تکذیب کرد. برخی رسانه‌های آذربایجانی در خبری کاملا کذب مدعی ورود نیروهای نظامی کشورمان به خاک آذربایجان در جنگ ۴۴ روزه سال گذشته قفقاز شده‌اند. این خبرسازی مشکوک که در مقطع کنونی با هدف التهاب‌آفرینی و ایجاد جو ضدایرانی در فضای داخل آذربایجان صورت گرفته با ارائه اطلاعات دروغ سعی کرده ایران را متهم به تجاوز نظامی به خاک آذربایجان در منطقه زنگیلان و روستای سلطانلی کند. در این خصوص یک منبع آگاه در وزارت نیرو ضمن گله‌مندی از تحریف واقعیات از سوی رسانه‌های آذربایجانی به «نورنیوز» گفت: ایران در سال ۲۰۱۶ به‌رغم اشغال منطقه زنگیلان و سلطانلی از سوی ارمنستان و برای تثبیت حاکمیت جمهوری آذربایجان در مناطق اشغالی، قرارداد احداث مشترک یک سد بر روی رودخانه ارس را با باکو امضا کرد و طبق توافق طرفین، مسئولیت تامین امنیت سد در دو طرف مرز به ایران واگذار شد. بر اساس توافق طرفین مقرر گردید بعد از رفع اشغال اراضی آذربایجان، طی توافقی جدید برقراری امنیت سد در بخش آذری به باکو تحویل داده شود. این منبع افزود: در جریان جنگ ۴۴ روزه قفقاز، نیروهای نظامی آذربایجان در زمان پیشروی برای آزادسازی مناطق اشغالی، بدون توجه به توافق قبلی و با استنکاف از روشن کردن جزئیات فنی و امنیتی و تبیین شرایط جدید، تقاضای خروج نیروهای ایرانی محافظ سد از قسمت شمالی را داشتند که به هیچ‌وجه منطقی و امکان‌پذیر نبود. او افزود: مدتی بعد با تفاهمات صورت گرفته میان وزارت نیرو و وزارت انرژی جمهوری آذربایجان طی مراسمی با حضور فرماندهان مرزبانی دو کشور، تامین امنیت قسمت شمالی سد به نیروهای آذربایجانی واگذار شد. لازم به ذکر است که جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اشغال سرزمین آذربایجان از منافع و ثروت آذربایجان در سد مشترک بر روی ارس حفاظت نموده و پس از پایان اشغال، بخش آذری سد را طی تشریفاتی رسما به طرف آذری تحویل داده است. این دست خبرسازی‌های جهت‌دار، خلاف حسن‌همجواری بوده و گمانه‌ها درخصوص اثرگذاری کشورهای متخاصم ایران بر سیاست‌های آذربایجان در قبال ایران را تقویت می‌کند، حال آنکه جمهوری اسلامی ایران همواره به تمامیت‌ارضی همه کشورهای همسایه احترام گذاشته و بر این اصل اهتمام دارد.